

رابطه رضایت جنسی و نگاه جنسیتی با گسست خانواده (مورد مطالعه: شهروندان شهر تبریز)

The Relationship between Sexual Satisfaction and Gender Perspective with Family Breakdown (Case of Study: Citizens of Tabriz City)

<https://doi.org/10.48308/JFR.19.3.437>

F. hajilou, Ph.D.

Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

F. Golabi, Ph.D.

Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

A. Ranjegar Gale Kandy M.A.

Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

✉ **فتانه حاجیلو**

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

فاطمه گلابی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

بهمن رنجگر قلعه‌کندی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۰

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۶/۲۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۷/۱۸

Abstract

Many factors affect the structure of the family and its strengths, disrupt its functions, and can even lead to the collapse of the family. The purpose of this study is to investigate the relationship between sexual satisfaction and gender perspective with family breakdown. The survey research method and data collection tool are a questionnaire. The statistical population is people living in areas 5, 7, and 8 of Tabriz City, and based on Cochran's formula, 384 have been investigated as the statistical sample. A stratified random sampling method was used to select the sample.

چکیده

عوامل متعددی وجود دارند که کارکردهای خانواده را دچار اختلال می‌کنند و ممکن است به گسست خانواده منجر شوند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه رضایت جنسی و نگاه جنسیتی با گسست خانواده است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است. جامعه آماری افراد ساکن در مناطق ۵، ۷ و ۸ شهر تبریز هستند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه آماری بررسی شده‌اند. از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده برای انتخاب نمونه استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین رضایت جنسی با گسست خانواده رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، به

✉Corresponding author: Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Email: fhajilou@tabrizu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.

پست الکترونیک: fhajilou@tabrizu.ac.ir

The results show that there is an inverse and significant relationship between sexual satisfaction and family breakdown, so the higher the sexual satisfaction of couples in married life, the less family breakdown occurs. Also, the findings indicate that there is a direct relationship between gender attitudes and family breakdown. The results show that family breakdown occurs less among couples who are more educated. The results also show that family breakdown occurs less among couples who have good jobs in terms of social status.

Keywords: Sexual Satisfaction, Education, Family Breakdown, Gender Attitude, Job.

طوری که هرچقدر رضایت جنسی زوجین در زندگی زناشویی بیشتر باشد، گسست خانواده کمتر اتفاق می‌افتد. همچنین یافته‌ها حاکی است، بین نگرش جنسیتی سنتی با گسست خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارتی، هرچقدر نگرش جنسیتی سنتی افراد بیشتر باشد، احتمال گسست خانواده بیشتر می‌شود. نتایج نشان می‌دهد در صورت همسان بودن زوجین در زمینه تحصیلی و بالاتر بودن سطح تحصیلات، بنیان خانواده کمتر دچار اختلال می‌شود. بخش دیگری از نتایج گویای آن است که گسست خانواده در بین زوجینی که مشاغل مناسبی از نظر جایگاه اجتماعی دارند، کمتر رخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تحصیلات، رضایت جنسی، شغل، گسست خانواده، نگرش جنسیتی

مقدمه

خانواده گروه کوچکی متشکل از زن و مرد و فرزندان بوده و در زمرهٔ بااهمیت‌ترین نهادهای اجتماعی، کانون عشق و امید، مرکز تولد و پرورش نسل بشر است. خانواده در توسعه و رشد زندگی سالم انسانی، نقش بنیادی دارد و از ابتدای زندگی انسان تا کنون، نقشش را در پر تو رعایت آداب و قوانین حاکم بر نظام اجتماعی به اثبات رسانده است. صاحب‌نظران متعدد عرصه خانواده در خصوص اهمیت این نهاد و نقش آن در زندگی اجتماعی بشر فراوان سخن گفته‌اند (تقوی، ۱۳۹۸؛ ساروخانی، ۱۳۸۱؛ اعزازی، ۱۴۰۱؛ آزادارمکی، ۱۳۸۹).

ساختار خانواده به عنوان زیرساخت جامعه، متأثر از تغییرات و تحولات ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؛ چون شبکه ارتباطی گسترده و عمیقی با نهادهای دیگر جامعه دارد. در این شبکه، عملکرد هرکدام از نهادها تعادل درونی آن را برای بقا، و تعادل برونی جامعه را برای تداوم حیات به صورت هدفمند دنبال می‌کند؛ اما جامعه امروزی که در آن زندگی می‌کنیم، شاهد افزایش روزافزون گسست خانواده به صورت رسمی و غیررسمی است و جوامع معاصر با مشکلی که می‌توان آن را اضمحلال نهاد خانواده نامید، روبه‌رو هستند. این مشکل موجب افزایش روزافزون ناهنجاری‌های روانی و بسیاری از مشکلات و انحراف‌های اجتماعی شده که بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را با آسیب‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند.

در بسیاری از پژوهش‌ها درباره مسائل خانواده و عوامل مرتبط با فروپاشی آن، اغلب نمونه‌های بررسی شده از میان خانواده‌های طلاق گرفته یا خانواده‌هایی که به مراجع قضایی مراجعه کرده‌اند انتخاب شده‌اند. حال آنکه برخی از زوجها به‌رغم نارضایتی از زندگی زناشویی خود، به دلیل ساختار فرهنگی جامعه و پیامدهای طلاق، به ویژه در صورت وجود فرزند در خانواده، حاضر به جدایی نیستند، و در نتیجه به دلیل روابط نامناسب و نادرستشان، خانواده مفهوم و کارکرد صحیحش را از دست می‌دهد. در این حالت، در تعریف حقوقی، به دلیل آنکه جدایی رسمی با وقوع طلاق بین زوجین رخ نداده، در ظاهر هنوز خانواده‌ای وجود دارد؛ حال آنکه در واقعیت، خانواده دچار فروپاشی شده است.

در تعریف فروپاشی خانواده آمده است: «فروپاشی خانواده^۱ عبارت است از شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه نقش‌های اجتماعی، به علت آنکه یکی یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود، آن طور که باید و شاید، برنیاخته است» (مساواتی‌آذر^۲، ۱۳۷۴).

در حال حاضر، آنچه کارشناسان خانواده درباره آن بیشتر هشدار می‌دهند، افزایش شمار خانواده‌های درگیر گسست و فروپاشی در نتیجه طلاق عاطفی است که متأسفانه آمار دقیقی از آن در دسترس نیست. اما باتوجه به شواهد و دیدگاه‌های کارشناسان، به نظر می‌رسد میزان وقوع آن، دو تا سه برابر آمار طلاق‌های رسمی است. باتوجه به تعریف ارائه شده در پژوهش حاضر، از واژه‌های «فروپاشی» و «گسست» برای اشاره به مفهوم مدنظر استفاده شده است.

اگرچه مقایسه تعداد ازدواج‌ها و طلاق‌ها در هر سال، از نظر علمی مقایسه درستی نیست، چون طلاق‌های رخ داده در هر سال الزاماً مربوط به ازدواج‌های همان سال نیست، اما برای توصیفی از وضعیت جامعه در خصوص تعداد ازدواج و طلاق رخ داده در کشور در هر سال، رجوع به آمار رسمی سازمان ثبت‌احوال کشور نشان می‌دهد: «در سال ۱۳۹۹، تعداد ازدواج‌های ثبت شده ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۴/۴ درصد رشد کرده؛ اما تعداد طلاق‌های ثبت شده در این سال، هم رشد قابل توجهی داشته و با ثبت تعداد ۱۸۳ هزار و ۱۶۳ طلاق ثبت شده در سال ۱۳۹۹، میزان رشد طلاق در ایران ۳/۶ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ بوده است. در حقیقت، به ازای هر سه ازدواجی که در سال ۱۳۹۹ ثبت شده، یک طلاق هم به ثبت رسیده و به عبارتی، نسبت ازدواج به طلاق ۳ به ۱ است» (درگاه ملی آمار، ۱۴۰۱). این فقط آمار رسمی است و نمی‌توان در بحث جدایی زناشویی و سلامت بهداشت روان خانواده به آن اکتفا کرد؛ زیرا در برخی کشورها از جمله ایران، بنا بر مسائل فرهنگی، اجتماعی، سنتی و حتی گاهی قانونی، طلاق به سهولت بین زوجین امکان پذیر نیست. علل مختلفی برای تعارض بین همسران و تداوم آن و در نتیجه حرکت به سمت گسست خانواده ذکر می‌شود. افزایش بی‌رویه اختلاف‌های زناشویی و آمار بالای طلاق، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته تا به دنبال دلایل بروز آن باشند.

گسست پیوندهای زوجین در خانواده، که گاهی به شکل جدایی زن و مرد نه از قید نکاح زناشویی یا قطع ارتباط با دیگر اعضای خانواده، بلکه از نظر عاطفی رخ می‌دهد، معضل جدید زندگی همسران است که در آن زن و شوهر صرفاً به زندگی در زیر یک سقف و در کنار هم ادامه می‌دهند، بدون اینکه هیچ‌گونه مسئولیت و نقشی در مقام پدر یا مادر خانواده داشته باشند و بدون اینکه رابطه عاطفی و تعامل خانوادگی میانشان وجود داشته باشد. در این اوضاع که خانواده با بحران روبه‌رو می‌شود، بالطبع آثار روانی و اجتماعی فروپاشی خانواده

جدایی غیررسمی) به اندازه طلاق رسمی یا حتی بیشتر از آن است. از این رو، تحقیقات اجتماعی درباره مشکلات و گسست خانواده اهمیت و ضرورت حیاتی دارد. فروپاشی خانواده ممکن است مسائلی مانند نزاع خانوادگی و مشکلات جدی و عمده دیگری را به همراه داشته باشد.

به‌رغم مطالعات گسترده و فراوان درباره خانواده و آسیب‌های آن در جوامع مختلف، نمی‌توان علت‌های مشخص و یکسانی که بنیان خانواده را تهدید و آن را به سمت گسست سوق می‌دهد تعیین کرد. ولی شناخت علل اجتماعی آن مستلزم مطالعات جامعه‌شناختی برای تبیین علل فروپاشی خانواده است. از نظر گاتمن^۴ (۱۹۹۹) کیفیت تعاملات زن و شوهر پیش‌گویی‌کننده مهمی برای وضعیت خانواده در آینده است. زوجینی که از یکدیگر تصور خوبی ندارند و نظرشان درباره یکدیگر منفی است، بیشتر در معرض طلاق قرار دارند (رضانی‌فر^۵ و همکاران، ۱۴۰۰).

بر اساس نتایج تحقیقات متعدد، برخی از علل تهدیدکننده بنیان خانواده عبارت است: نبودن تفاهم فکری و اجتماعی بین زوجین، کم‌سن و کم‌تجربه بودن زوجین، مشکلات جنسی زوجین، اختلاف طبقاتی، مشکلات مالی، توجه متفاوت به نیازهای فرزندان، ناآگاهی همسران از وظایف و نقش‌های خود در زندگی مشترک، کارآمد نبودن روابط بین زوجین، ارزش‌های متضاد و ناهماهنگی رفتاری همسران. «اختلاف بر سر پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، روابط با دوستان، تربیت فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی (گفت‌و شنود) و درگیری کاری، می‌تواند پدیدآورنده اختلافات زناشویی باشد» (مسعودی اصل و راد^۶، ۱۳۹۵).

بررسی نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد سطح پایین تحصیلات زوجین یکی از عوامل زمینه‌ساز اختلاف در بین آن‌هاست. برنت^۷ در تحقیقات خود با موضوع تحرک اجتماعی و ازدواج، مشاهده کرده که در ۷۱ درصد ازدواج‌ها، نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده است. استوارت^۸ معتقد است که میان پرورش و آموزش فرد و آنچه از همسر او انتظار می‌رود، نوعی تناسب منطقی وجود دارد. همیلتون^۹ نیز این عقیده را دارد که میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات هم‌بستگی مستقیمی وجود دارد (ساروخانی^{۱۰}، ۱۳۸۱).

نیازهای جنسی یکی از اساسی‌ترین نیازهای زناشویی است که اختلال در آن، پایه‌های زناشویی و زندگی عاطفی زوجین را سست می‌کند. در نتیجه، محرومیت جنسی بین زوجین می‌تواند عامل بنیادی در تضعیف رابطه عاطفی باشد و می‌تواند به اساسی‌ترین عامل از هم‌گسیختگی زندگی زناشویی بدل شود. «آمارها نشان‌دهنده آن است که یکی از عوامل شاخص در گسست و فروپاشی خانواده به صورت رسمی، عدم ارضای گزینه جنسی زوجین است. بر اساس تحقیقات حدود ۵۰ درصد از فروپاشی خانواده به صورت رسمی که در دادگاه‌های خانواده به بهانه‌های مختلف صورت می‌گیرد، ریشه در مسائل جنسی دارد» (غدیری و فروتن^{۱۱}، ۱۳۸۷). در جامعه امروز، یکی از مشکلات عمده‌ای که به نظر می‌رسد زوجین با آن روبه‌رو هستند، ناآگاهی و نداشتن اطلاع کافی درباره مسائل زناشویی، ناشی از نگرش کلاسی به زن و جنس دوم تلقی کردن زنان، است که در اغلب مطالعات انجام‌یافته به ریشه داشتن آن در سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه اشاره شده است. سازگاری و رضایت زناشویی نتیجه فرایند زناشویی و شامل عواملی مانند ابراز عشق و محبت متقابل زن و شوهر، احترام متقابل، چگونگی ارتباط و حل مسئله بین زوجین و روابط زناشویی است، که به درک و پذیرش

همسر مرتبط است. هرچه ارتباط بین زوجین بیشتر باشد، درک و پذیرش همسر نیز بیشتر و تعارض‌های بین آن‌ها کمتر و حل‌شدنی‌تر خواهد شد (میرزایی جاهد و صابری^{۱۲}، ۱۳۹۸).

به نظر می‌رسد نارضایتی از روابط جنسی متعارف در خانواده، علت بخش مهمی از اختلاف‌هاست و زمینه بروز خیانت و معاشرت‌های پنهانی همسران را سبب می‌شود. «بسیاری از گسست‌ها و فروپاشی‌های ناشی از نارضایتی‌های جنسی بین زوجین به بیرون از خانواده گزارش نمی‌شود» (جهانی دولت‌آباد^{۱۳}، ۱۳۹۴). این موضوع به علت تابوهای اخلاقی در جامعه کمتر به طور مستقیم بررسی شده است و اغلب تحقیقات انجام شده نیز آن را در ابعاد روان‌شناختی بررسی کرده‌اند. روابط جنسی زوجین و رضایت یا نارضایتی آن‌ها از روابطشان یکی از عوامل بسیار مهم مرتبط با تنظیم روابط زوجین در خانواده است که کمتر در تحقیقات اجتماعی بررسی شده است.

آمارهای اعلام‌شده از سوی اداره کل ثبت‌احوال آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که وقوع طلاق رسمی در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل از آن، ۴/۳ درصد رشد داشته و در میان شهرستان‌های استان، بیشترین میزان طلاق برای شهر تبریز ثبت شده است. حال آنکه آمار دقیقی از خانواده‌هایی که کارکرد نهادی‌شان را از دست داده‌اند یا به عبارتی دچار فروپاشی شده‌اند، وجود ندارد. به منظور پژوهش در این زمینه، سه منطقه از مناطق شهرداری که به لحاظ جغرافیایی در گستره‌ای از غرب تا شرق این شهر واقع شده‌اند بررسی می‌شوند. منطقه ۵ شهرداری در شمال شرق، منطقه ۷ در جنوب غرب و منطقه ۸ در مرکز شهر واقع شده است و به این ترتیب در یک نوار طولی، بخش‌های مختلف شهر بررسی می‌شود. ساکنان هر یک از این مناطق از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، گروه‌های اجتماعی متفاوتی را پوشش می‌دهند. مناطق تازه‌تأسیس‌شده مسکونی، نواحی دارای کارگاه‌های بزرگ و کوچک صنعتی در کنار محیط مسکونی، مراکز بزرگ صنعتی در نزدیکی محل سکونت خانواده‌های کارگری، همچنین مراکز اداری، تجاری، خدماتی و نیز بافت فرسوده که اغلب محل سکونت خانواده‌های دارای مشاغل اداری و تجاری و خدماتی هستند، در این سه ناحیه شهری قرار دارند (حسین‌زاده^{۱۴}، ۱۳۹۸).

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه رضایت جنسی و نگاه جنسیتی با گسست خانواده و عوامل اجتماعی مرتبط با آن است.

ادبیات نظری پژوهش

برخی از جامعه‌شناسان معتقدند در جوامع معاصر خانواده از حالت مطلوبش فاصله گرفته و دچار مشکلات متفاوت و تغییر در ارزش‌ها و کارکردهایش شده و در بسیاری از خانواده‌ها، پایه‌های زندگی زناشویی سست و ضعیف شده است. با وجود این، در بسیاری از خانواده‌ها همسران در کنار هم و زیر یک سقف زندگی می‌کنند، و اگرچه ارتباط و تعامل بینشان کم‌رنگ یا کاملاً قطع می‌شود، نمی‌توان این تغییرات را مصداق فروپاشی خانواده نامید؛ چون نهاد خانواده هنوز پابرجاست و بحث درباره فروپاشی آن موضوعیت ندارد. «خانه تبدیل به خوابگاه شده است. تفاوت اساسی بین خانه به معنی محل زندگی و خانه به معنای زندگی در همه فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته شده است. دومین تعبیر از خانه به تجربه مشترک، زندگی، عشق، وابستگی و همراهی اطلاق می‌شود، درحالی‌که اولی به عنوان محل و مکان است» (آزادارمکی^{۱۵}، ۱۳۹۳).

حال آنکه برخی دیگر از نظریه‌ها، تغییرات به‌وجودآمده را مصداق گسست و فروپاشی خانواده تلقی می‌کنند. این نظریه‌ها علل متفاوت فردی و اجتماعی را برای تبیین موضع خود به کار می‌گیرند.

بخشی از نظریه‌ها در تبیین علل اجتماعی فروپاشی خانواده‌ها به مشکلات مربوط به رضایت از زناشویی توجه می‌کنند. مک‌لارن^{۱۶} (۱۹۹۵) معتقد است مسائل جنسی سهم بسزایی در بهداشت و سلامت کلی خانواده ایفا می‌کند؛ اما متأسفانه از بررسی و ارزیابی این مسائل اغلب غفلت می‌شود، چون صحبت در این حوزه ناخوشایند، خجالت‌آور و گناه تصور می‌شود. اما مطالعات متعدد نشان داده که منشأ بسیاری از تعارض‌های زناشویی ناشی از نامناسب بودن روابط جنسی است؛ زیرا اگر به هر دلیلی رابطه جنسی سالم میان زوجین برقرار نشود، یکی از دو طرف ناراضی، دلخور و دلزده خواهد شد که درگیری‌ها و مشکلات ارتباطی را بین همسران به وجود می‌آورد (موحد و عزیزی^{۱۷}، ۱۳۹۰).

برادشاو^{۱۸} معتقد است وقتی اشخاص به علت کمبودها و کامل نبودن خود ازدواج می‌کنند، رابطه‌ای مبتنی بر دشواری و گرفتاری ایجاد می‌شود. زن و شوهر در این اوضاع هرکدام دیگری را برای کامل شدن خود می‌خواهد. در دوران عشق‌وعاشقی هرکدام از آن‌ها حاضر به اهدای خویش‌نهاد هستند، زیرا می‌پندارند که طرف مقابل آن‌ها را برمی‌تابد تا کمبودهایش را از میان بردارد. نحوه شکل گرفتن این دوران یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز در زندگی زناشویی است. دادن چیزی برای گرفتن چیزی، عشقی جعلی است. زن و شوهر محتاج، هرکدام تحت تأثیر این توهم که دیگری به واقع نواقص او را برطرف خواهد کرد، فریب می‌خورد (برادشاو، ۱۳۷۲). بخشی از این بده‌بستان در خصوص برقراری رابطه جنسی است. «روابط جنسی»^{۱۹} اعمالی هستند که طی آن‌ها مقاصد و اهداف نفسانی وارد روابط با اشخاص دیگر می‌شود.

مک‌لارن و نیکولز^{۲۰} (۲۰۰۵) معتقدند تکالیفی برای رسیدن به مرحله توافق در روابط زناشویی وجود دارد که یکی از آن‌ها برقراری رابطه جنسی ارضاکنده برای هر دو طرف است. در واقع، ارضای درست گزینه جنسی نیازی طبیعی است که باید به آن پاسخ داده شود (بخشایش و مرتضوی^{۲۱}، ۱۳۸۸). امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش اساسی دارند. لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلاف‌های زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. افرادی که در رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت خوبی دارند، به طور قابل ملاحظه‌ای کیفیت زندگی بهتری را نسبت به آن‌هایی که رضایت ندارند، گزارش می‌کنند (موحد و عزیزی، ۱۳۹۰).

در رابطه زناشویی سالم، اتصال و وابستگی به دلیل میل است و نه از روی نیاز. در این شرایط هرکدام در جهت و جانب کامل شدن کم‌وبیش در حرکت‌اند. زن و شوهری که از کامل بودن یکدیگر حمایت و حراست می‌کنند، به هم می‌پیوندند و رشد می‌کنند و به تعبیر گوته^{۲۲} «هرکدام برای دیگری خلوتی برای رشد کردن به وجود می‌آورند». هرکدام از زن و شوهر با کم کردن از کنترل، انتقاد، سرزنش و داوری، به رشد دیگری کمک می‌کنند (برادشاو، ۱۳۷۲).

در تفکر فمینیستی، اساسی‌ترین علت‌ها درباره مشکلات روابط زناشویی، با زیر سؤال بردن باورهای رایج درباره نقش‌های جنسیتی بیان شده است. فمینیست‌ها معتقدند خانواده به عنوان نهاد اجتماعی، نقش ویژه‌ای در سازمان یافتن جامعه ایفا می‌کند و زمانی که این نهاد در چارچوب تفکرات جنسیتی شکل می‌گیرد، خود زمینه‌ساز بروز تعارض‌ها و مشکلات خانوادگی می‌شود. طبق این تحلیل، تفاوت در نگرش‌های جنسیتی

محصول تفاوت در نقش‌های جنسیتی و جامعه‌پذیری جنسیتی است که بر اساس آن افراد هویت زنانه یا مردانه پیدا می‌کنند و پذیرای نقش‌های آتی خود می‌شوند. برآیند چنین گفتمانی، شکل‌گیری ایستارها، رفتارها و کردارهای جنسیتی و فرهنگ جنسیتی نابرابرانه‌ای است که به نفع مردان و با هزینه زنان بر ساخته می‌شود (بلالی^{۲۳}، ۱۳۹۳).

رایزمن^{۲۴} جنسیت را ساختار بسیار پیچیده‌ای می‌داند که رفتار انسان را در سه سطح قالب‌ریزی می‌کند: سطح فردی، سطح فرهنگی‌تعاملی و سطح نهادی. مطابق این دیدگاه اثر اجتماعی مهم جنسیت این است که یک نظام قشربندی ساخت اجتماعی است (ریترز^{۲۵}، ۱۳۹۳). نقش‌هایی که مرد و زن در جامعه ایفا می‌کنند، محصول جبری طبیعتشان نیست، بلکه ارزش‌ها و انتظاراتی اجتماعی و تصورات کلیشه‌ای از نقش جنسیتی است که حکم مردانه بودن و زنانه بودن در یک فرهنگ را تعیین می‌کند (شریعتی مزینانی و مدرس صادقی^{۲۶}، ۱۳۹۰).

ماستین^{۲۷} برای شرح تعارض‌های زوجین، به این موضوع اشاره می‌کند که پذیرش نقش‌های جنسیتی باعث می‌شود «در تعارض‌های زوجین، شوهران از منطق استفاده کنند و زنان در جست‌جوی محبت باشند. درحالی‌که در تعارض‌های والد و فرزند، مشاهده می‌شود اغلب والدین بر قواعد و مقررات تأکید می‌ورزند و این کودک است که خواهان درک و محبت طرف مقابل می‌باشد. جامعه به خردورزی بها می‌دهد، نه عواطف. اما این که کدام‌یک از آن‌ها را استفاده کنیم، بستگی به این دارد که قدرت دست کیست و ربطی به زن یا مرد بودن ندارد» (گلدنبرگ، گلدنبرگ^{۲۸}، ۱۳۸۲).

بنابر استدلال نظریه‌های فمینیستی، «نقش جنسی»^{۲۹} نوعی نقش اجتماعی است که بر اساس زیست‌شناسی به مردان و زنان محول می‌شود و رفتار مرتبط با جنسیت را به شیوه‌ای بی‌قاعده به هریک از دو جنس زیست‌شناختی پیوند می‌دهد. نقش‌های جنسی خصلتی کسب‌شدنی است، موقعیتی مقرر شده و بخشی از یک ایدئولوژی است که نقش‌های زنان را ناشی از طبیعت آن‌ها می‌داند. کیت ملیت^{۳۰} استدلال می‌کند کلیشه‌سازی نقش جنسی کنترل اجتماعی بر زنان را تضمین می‌کند، زیرا زنان از دوران کودکی تربیت می‌شوند تا پذیرای نظامی شوند که جامعه را به حوزه‌های مردانه و زنانه تقسیم می‌کند و قدرت عمومی را فقط به مردان وامی‌گذارد (هام و گمبل^{۳۱}، ۱۳۸۲).

در تفکر باتلر^{۳۲} انسان‌ها با هویت درونی به منزله مرد یا زن به دنیا نمی‌آیند، بلکه بسته به سرگذشت شخصی و جایگاهشان در تاریخ و گفتمان‌های تنظیم‌کننده که تشکیل‌دهنده آن‌هاست به برداشت‌های خاصی از مرد یا زن می‌رسند. بدین ترتیب، جنسیت با تقلید انسان از دیگران که می‌کوشند مطابق با عقاید فرهنگی درباره مردانگی و زنانگی عمل کنند، زاده می‌شود. این عقاید چنان مؤثرند که انسان فکر خودجنسیتی را واقعیت در نظر می‌گیرد (ریترز^{۳۳}، ۱۳۹۳).

اسکانزونی^{۳۳} از نظریه‌پردازانی است که به نقش‌ها و هنجارهای سنتی خانواده به عنوان حاکمیت مبادله میان وظایف زن و شوهر توجه می‌کند. به نظر او و بر اساس پذیرش نقش‌های جنسیتی، به شکل متقابل و دوسویه‌ای، حقوق شوهر، وظیفه زن است و حقوق زن، وظیفه شوهر. مطابق تقسیم نقش سنتی، شوهر وظایف مفید و سودمندی به عنوان نان‌آور خانواده دارد و زن وظایف زبانی و بیانی مثل کاستن از تنش و استرس از فضای خانواده، مراقبت از بچه‌ها و داشتن رابطه جنسی خوب با همسر را بر عهده دارد. زن حق

دارد که از شوهرش انتظار داشته باشد نیازهای مادی او و خانواده را فراهم کند و شوهر نیز حق دارد از همسرش انتظار برآورده شدن نیازهای عاطفی و جنسی را داشته باشد؛ البته انتظار مرد در این باره بر انتظارات و خواسته‌های زن ترجیح دارد (موحد و عزیزی، ۱۳۹۰). بر این اساس اسکانزونی دو نوع مدل کشمکش را در خانواده شناسایی می‌کند: کشمکش غیربنیادی ممکن است بر سر تربیت بچه‌ها، مسائل اقتصادی و... اتفاق بیفتد؛ با این حال چنین کشمکشی بین همسران، تغییری در نقش‌های اصلی سنتی آن‌ها ایجاد نمی‌کند. اما تعارض‌های بنیادی بین همسران، نقش‌های اصلی آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. به عقیده وی، اگر یکی از همسران در برآوردن انتظارات طرف مقابل و انجام وظایفش کوتاهی کند، نظیر کوتاهی در فراهم کردن نیازهای مادی زندگی از طرف شوهر یا نیازهای جنسی از طرف زن، آغاز ایجاد احساس نابرابری در ازدواج است که بنیان خانواده را متزلزل می‌کند. اگر نقش‌های کلیدی همسران را زیر سؤال ببرد، پیامدی جز اختلاف و کشمکش نخواهد داشت. برای تغییر در این نقش‌ها ابتدا باید بستر فرهنگی مهیا شود تا آنچه به عنوان نقش منفعل زنان و نقش فاعلی مردان در زمینه روابط جنسی همسران وجود دارد، متحول شود و جایش را به داشتن نقش مؤثر زوجین در روابط جنسی دهد (وایت و کلاین^{۳۴}، ۲۰۰۲).

پیشینه تجربی تحقیق

جست‌وجو در پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد در موضوع پژوهش، دامنه وسیعی از عوامل روان‌شناختی و اجتماعی بررسی و احصا شده‌اند. برخی از منابع داخلی مورد استناد پژوهش حاضر که بر اساس یک نظم تاریخی مرتب شده، مواردی به شرح زیر را روشن می‌کند: فکوری اشکیکی^{۳۵} و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین»، نشان داده‌اند هماهنگی نگرش‌های زوجین از عوامل رضایت زناشویی است. همچنین ابراهیمی و محمدلو^{۳۶} (۱۴۰۰) در مقاله «مرور نظام‌مند عوامل زمینه‌ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸)»، مهم‌ترین عوامل اجتماعی منجر به طلاق در جامعه ایرانی را برشمرده‌اند: عوامل مربوط به فرهنگ، آشنایی و شناخت شتابزده، نبودن آموزش‌های مناسب قبل از ازدواج، اختلاف فرهنگی و طبقاتی، ازدواج اجباری، چندهمسری، عوامل اقتصادی و بیکاری، درآمد کم، اشتغال ناپایدار، کسب درآمد از راه‌های نادرست، نداشتن مسکن و بدهکاری، شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی، پایگاه اجتماعی، فقدان مهارت‌های اجتماعی، نگرش منفی جامعه به خانه‌داری زنان، روابط عاطفی و احساسی با جنس مخالف، سبک زندگی، صنعتی شدن و شهرنشینی.

میرزایی جاهد و صابری^{۳۷} (۱۳۹۸) در «پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان بر مبنای نگرش جنسی آن‌ها و گرایش همسرانشان به شخصیت تاریک» دریافته‌اند که نگرش جنسی به زن از سوی مرد و کالا دیدن زن در کانون خانواده، باعث دلزدگی زن از کانون خانواده می‌شود که این امر زمینه‌ساز طلاق عاطفی زوجین است. بالاگیری و حسینی^{۳۸} (۱۳۹۸) در پژوهش برای تعیین الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی دریافتند، علاوه بر ابعاد شخصیتی، سن و تحصیلات که در پیش‌بینی طلاق عاطفی نقش دارد، عملکرد جنسی و الگوهای ارتباطی نقش مهمی بر وقوع طلاق عاطفی دارد. بر اساس نتایج این تحقیق، ارتباط جنسی بین زوجین زمینه‌ساز تکمیل‌کنندگی زوجین و به نوعی زمینه‌ساز رشد آن‌هاست.

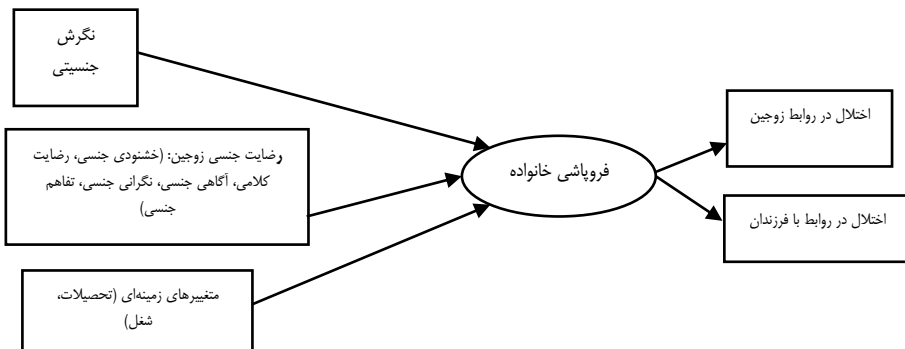
نتایج پژوهش رضایت جنسی، کلدی و قدیمی^{۳۹} (۱۴۰۰) برای تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق در زنان متأهل شهرستان تنکابن نیز بی‌توجهی مردان به زنان، بی‌مسئولیتی، خشونت، مشکلات ارتباطی و جنسی، حضور نداشتن مؤثر در منزل و نداشتن برنامه مناسب اوقات فراغت را سبب طلاق عاطفی و تشدید عوامل علی و مؤثر بر طلاق نشان می‌دهد.

بررسی پژوهش‌های خارجی در موضوع پژوهش نیز نشان می‌دهد علل گسست خانواده بر اساس رویکردهای مختلف بررسی شده است. گانت^{۴۰} (۲۰۰۶) در پژوهشی با هدف بررسی شباهت زوجین و رضایت زناشویی، دریافت که تشابه بین زوجین با سطح چشمگیری از رضایت زناشویی و سطح پایینی از انفعال منفی در ارتباط است. به طور خاص، تشابه در شخصیت کلی و با ارزش‌های مشابه، با میزان وابستگی زوجین ارتباط بسیار قوی داشته است. هویت، باکستر و وسترن^{۴۱} (۲۰۰۵) در بررسی عوامل مرتبط با شکست ازدواج در استرالیا، دریافتند نگرش جنسی و نقش محول‌شده جنسی از عوامل شکست در ازدواج‌اند. بسیاری از تعارض‌های درون خانواده از آنجاکه به فرصتی برای قدرت‌نمایی در چارچوب نقش‌های فراگرفته‌شده تبدیل می‌شوند، مشکلات حل‌ناشدنی‌ای به وجود می‌آورند که به‌تدریج خانواده را به سراشیبی از هم‌گسیختگی و درنهایت به فروپاشی سوق می‌دهد.

بارت^{۴۲} (۱۹۸۸) در طی تحقیقاتش متوجه شد، زمانی که تولد کودک باعث پدیدار شدن یک مثلث در خانواده هسته‌ای می‌شود و در نتیجه آن، یکی از والدین به کودک نزدیک و از همسرش دور می‌شود، استواری روابط زناشویی ممکن است تهدید شود. او مدعی است که ناتوانی هریک از همسران در تبدیل شدن به یک والد، و درعین‌حال، ناتوانی او به عنوان همسر می‌تواند صمیمیت زوجین را به‌شدت تهدید کند (گلدنبرگ، گلدنبرگ، ۱۳۸۲: ۴۰). کلیک و پیرسون^{۴۳} (۱۹۸۵) نیز در تحقیقی با هدف یافتن علل احتمالی طلاق دریافتند که مشکلات جنسی از عوامل مشکلات زناشویی و زمینه‌ساز طلاق است.

مدل نظری پژوهش

بر اساس آنچه در مبانی نظری تحقیق آمده و همچنین عواملی که در پیشینه تجربی تحقیق بر آن‌ها تأکید شده، الگوی نظری تحقیق به صورت زیر است:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های تحقیق

بین رضایت جنسی زوجین و ابعاد آن با گسست خانواده رابطه وجود دارد.
بین نگاه جنسیتی با گسست خانواده رابطه وجود دارد.
میزان گسست خانواده برحسب نوع شغل زوجین متفاوت است.
میزان گسست خانواده برحسب میزان تحصیلات زوجین متفاوت است.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف یک تحقیق کاربردی است، به این دلیل که محقق می‌کوشد مباحث نظری را به صورت تجربی بیازماید و نتایج آن می‌تواند در عمل، برای بهبود بخشیدن به مشکلات موجود در موضوع پژوهش به کار رود. از لحاظ زمانی، پژوهش از تحقیقات مقطعی است و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است، و اطلاعات آن از بررسی دیدگاه‌های گردآوری‌شده پاسخ‌گویان حاصل شده است. همچنین، از نوع مطالعه هم‌بستگی است، زیرا هم‌بستگی بین متغیرها ارزیابی و سنجیده می‌شود.
جامعه آماری تحقیق تمامی افراد متأهل ساکن در منطقه ۷، ۸ و ۵ شهرداری تبریز در سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ هستند که تعداد کل آن‌ها ۳۲۵۸۷۷ نفر است. برای تعیین حجم نمونه از میان کل جمعیت متأهل ساکن تبریز مناطق مورد پژوهش که بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، ۳۱۱۳۸۰ نفر هستند، تعداد ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران برای نمونه تعیین شده‌اند.
ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است که پرسش‌های آن بر اساس ترکیبی از پرسش‌های پرسش‌نامه‌های استاندارد و پرسش‌های مطرح‌شده توسط محقق تنظیم شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

فروپاشی خانواده

از بین رفتن کارکردهای متعارف خانواده، رابطه بین زوجین و زوجین با فرزندان مصداق گسست و فروپاشی خانواده است. «فروپاشی خانواده عبارت است از شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه نقش‌های اجتماعی، به علت آنکه یکی یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود برنیامده است» (مساواتی‌آذر، ۱۳۷۴).

برای سنجش فروپاشی خانواده دو مؤلفه اختلال در روابط زوجین و اختلال در روابط با فرزندان، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده و بر اساس تعریف مفهومی، پرسش‌هایی برای سنجش دو مؤلفه سازنده این مفهوم شامل اختلال در روابط زوجین و اختلال در روابط با فرزندان در قالب ۳۱ پرسش محقق-ساخته تنظیم شده و جواب‌های آن به صورت پنج‌گزینه‌ای بر اساس طیف لیکرت، با امتیازدهی از ۱ تا ۵ بررسی شده است. نمره‌دهی به پاسخ‌ها بر این اساس است که پاسخ‌های مثبت به پرسش‌های مؤید اختلال در روابط خانوادگی، نمره بالاتری دریافت کرده‌اند. بدین ترتیب هرچه نمره نهایی اخذشده مؤید اختلال بیشتر در روابط خانواده بوده، نزدیک‌تر شدن به معنای گسست بیشتر است. پرسش‌های مختلفی برای سنجش

گویه‌هایی نظیر رضایت از درک متقابل همسر، اختلاف‌های مالی، سوءتفاهم جنسی، ازدواج زود هنگام، رفتارهای ضداجتماعی زوجین، غفلت از تأمین مایحتاج ضروری همسر، مشکلات جسمانی و بهداشتی، نارضایتی از ظاهر و ویژگی‌های شخصیتی همسر و... در سنجش اختلال در روابط زوجین استفاده شده است. همچنین گویه‌های تعارض، ناکارآمدی، بد رفتاری با کودکان، اختلاف درباره پرورش فرزندان، ممانعت از کار، تحصیل و ارتباط اجتماعی متعارف فرزندان، رفتارهای ضداجتماعی مثل مصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی، تمایل به گریز از خانه برای سنجش اختلال در روابط با فرزندان به کار رفته است. برای مثال جمله‌هایی از این قبیل برای سنجش اختلال در روابط زوجین طراحی شده است: همسرم اخلاق مرا کاملاً می‌شناسد و با آن سازگاری دارد؛ همسرم گاهی اوقات حرف‌هایی می‌زند که باعث تحقیر من می‌شود؛ من و همسرم در زندگی مشترک مسئولیت‌های خود را خوب ایفا می‌کنیم؛ من از نحوه تصمیم‌گیری‌مان برای حل و فصل اختلاف‌ها راضی هستم؛ از ویژگی‌های شخصیتی همسرم راضی هستم؛ از ویژگی‌های جسمی ظاهر و اندام همسرم راضی هستم؛ من و همسرم در تصمیم‌گیری‌های مالی برای خانواده با هم مشکل داریم؛ همسرم به تأمین احتیاج‌های ضروری زندگی اهمیت می‌دهد؛ همسرم درباره مصرف سیگار و مشروبات الکلی نظر منفی ندارد؛ همسرم همیشه ظاهر مرا با دیگران مقایسه می‌کند؛ به خاطر رفتارهای خشن همسرم بارها به طلاق فکر کرده‌ام، و... .

جمله‌هایی از این قبیل نیز برای سنجش اختلال در روابط با فرزندان به کار رفته است: رسیدگی به امور تحصیلی فرزندانمان برای همسرم بسیار مهم است؛ به خاطر رفتارهای همسرم فرزندانمان بیشتر وقتشان را در خارج از خانه می‌گذرانند؛ همسرم برای فرزندانمان مانند یک دوست قابل اعتماد است؛ همسرم از همه مسائل فرزندانمان آگاهی دارد؛ به خاطر رفتارهای خشن همسرم، بودن در خانه قابل تحمل نیست، و... .

رضایت جنسی

ارزیابی ذهنی شامل واکنش‌های تأثیرگذاری است که از ارزیابی کلی روابط جنسی بین زوجین نشئت می‌گیرد و سلامت عمومی فرد را از جنبه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد (دنیل و بریدجز، ۲۰۱۲). سنجش متغیر رضایت جنسی در قالب پنج مؤلفه خشنودی جنسی، رضایت کلامی، آگاهی جنسی، نگرانی جنسی و تفاهم جنسی با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد لارسون^{۴۴} انجام شده که ۲۵ پرسش است. جواب‌های آن به صورت پنج‌گزینه‌ای بر اساس مقیاس لیکرت، امتیازدهی شده، به صورتی که همواره نمره‌های نهایی بیشتر مؤید رضایت جنسی بیشتر پاسخ‌گویان باشد.

خشنودی جنسی شامل گویه‌هایی نظیر: برقراری رابطه جنسی عملکردی طبیعی است؛ روابط جنسی ارتباط عاطفی زوجین را عمیق‌تر می‌کند؛ زندگی جنسی من جالب و هیجان‌انگیز است؛ همسرم از رابطه‌مان خشنود است و... بررسی شده است. مؤلفه **تبادل کلامی با جمله‌هایی نظیر:** برایم سخت است که به همسرم بگویم چه چیزی در من احساس خوشایندی ایجاد می‌کند؛ برایم سخت است که درباره احساسات جنسی خود صادق باشم؛ و مؤلفه **آگاهی جنسی جمله‌هایی مانند:** زن نباید با صحبت درباره مسائل جنسی خودش را کوچک کند؛ زوجین نباید به روابط جنسی اهمیت بدهند؛ رابطه جنسی در زندگی زناشویی

بسیار مهم است؛ و مؤلفه نگرانی جنسی با جمله‌هایی نظیر: همسر من از برقراری رابطه با من اجتناب می‌کند؛ وقتی من مایل به برقراری رابطه هستم، او مایل نیست؛ زندگی جنسی من فاقد کیفیت مطلوب است، بررسی شده‌اند.

نگرش جنسیتی

نگرش جنسیتی مبتنی بر آن است که تفاوت‌های طبیعی بین زنان و مردان، مبنای تقسیم کار و نابرابری‌های جنسیتی است. در اینجا استدلال می‌شود که عملکرد بهتر و کارایی بیشتر خانواده زمانی تحقق پیدا می‌کند که زنان نقش‌های عاطفی و مردان نقش‌های ابزاری را بر عهده داشته باشند (شریعتی مزینانی و مدرس صادقی، ۱۳۹۰). برای سنجش میزان نگرش جنسیتی شش پرسش مطرح و این پرسش‌ها بر اساس طیف لیکرت از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» نمره‌دهی شده است. در همه جمله‌ها گزینه «کاملاً مخالف» نمره ۱ و گزینه «کاملاً موافق» نمره ۵ دریافت کرده است.

جمله‌ها بر اساس پرسش‌نامه حاجی‌زاده میمندی و یوسفی (۱۳۹۲) در شهر یزد که پایایی آن را ۰/۷۰ اعلام کرده‌اند تنظیم شده است که عبارت‌اند از: خانه‌داری هر زنی اساسی‌ترین کار اوست و خانه‌دار بودن زن را می‌سازد؛ بهتر است انجام کارهای خانه مثل آشپزی بر عهده زنان باشد؛ اصولاً مردان بهتر از زنان ریاست می‌کنند؛ سعادت و خوشبختی زن فقط با داشتن کانون گرم خانوادگی تأمین می‌شود؛ زنان باید مشاغل خاصی را انتخاب کنند که متناسب با توان جسمی و روحی‌شان باشد؛ زنان به‌خوبی مردان نمی‌توانند مدیریت کنند. بدین ترتیب هرچه نمره نهایی اخذ شده بیشتر شود، مؤید نگرش جنسیتی بیشتر است. این بدان معناست که تفاوت قائل شدن در ایفای نقش‌های زن و مرد در زندگی مشترک بیشتر مشاهده می‌شود و بر این اساس می‌توان گفت به نگاه سنتی درباره جنسیت نزدیک می‌شود.

پایایی پرسش‌نامه نهایی به وسیله اندازه‌گیری آلفای کرونباخ برای متغیرها بررسی شده که نتایج آن به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱: نتایج محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
فروپاشی خانواده	۰/۶۹۵
رضایت جنسی	۰/۷۶۰
نگرش جنسیتی	۰/۸۴۲

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

نمونه آماری این تحقیق تمامی افراد ساکن در مناطق ۵ و ۷ و ۸ شهر تبریز است. طبق یافته‌های جدول شماره ۲، از میان پاسخ‌گویان داوطلب شرکت‌کننده در این تحقیق، ۱۸۰ نفر مرد و ۱۷۹ نفر زن هستند که جوان‌ترینشان شانزده سال و مسن‌ترینشان هشتاد سال دارد.

جدول ۲: آماره‌های مربوط به سن پاسخ‌گویان

متغیر	تعداد	میانگین	بیشینه	کمینه	جنس	فراوانی
سن	۳۶۲	۳۸/۳	۸۰	۱۶	زن	۱۷۹
					مرد	۱۸۰

از نظر میزان تحصیلات، بیشترین میزان تحصیلات با ۳۰/۱ درصد در سطح دبیرستان و کمترین آن با ۶/۴ درصد فراوانی مربوط به افراد فاقد توانایی خواندن و نوشتن است. همچنین کمینه و بیشینه تحصیلات همسران پاسخ‌گویان نیز به ترتیب ۶/۱ درصد مربوط به فوق‌لیسانس و بالاتر، و ۲۷/۹ درصد در سطح راهنمایی است. از نظر نوع شغل، یافته‌ها حاکی است بیشترین فراوانی با ۴۰/۱ درصد مربوط به خانه‌داری و کمترین فراوانی با ۱/۱ درصد مربوط به گروه بیکار است. در خصوص همسران پاسخ‌گویان نیز بیشترین درصد فراوانی مربوط به خانه‌داری و کمترین فراوانی با ۰/۸ درصد مربوط به گروه بیکار است.

جدول ۳: آماره‌های مربوط به شغل و تحصیلات زوجین

تحصیلات پاسخ‌گو	درصد فراوانی	تحصیلات همسر	درصد فراوانی	نوع شغل پاسخ‌گو	درصد فراوانی	شغل همسر	درصد فراوانی
فوق‌لیسانس و بالاتر	۸	فوق‌لیسانس و بالاتر	۶/۱	کارمند بخش خصوصی	۸/۸	کارمند بخش خصوصی	۱۰/۲
لیسانس	۲۳/۵	لیسانس	۲۰/۴	کارمند دولتی	۹/۱	کارمند دولتی	۹/۴
دبیرستان	۳۰/۱	دبیرستان	۲۷/۳	شغل آزاد	۳۱/۲	شغل آزاد	۳۳/۷
راهنمایی	۲۳/۵	راهنمایی	۲۷/۹	بازنشسته	۷/۵	بازنشسته	۳/۳
دبستان	۸/۶	دبستان	۱۰/۸	خانه‌دار	۴۰/۱	خانه‌دار	۴۰/۱
بی‌سواد	۶/۴	بی‌سواد	۷/۵	دانشجو	۱/۹	دانشجو	۲/۲
				بیکار	۱/۱	بیکار	۰/۸

یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

جدول شماره ۴ نمره محاسبه‌شده برای متغیر رضایت جنسی و مؤلفه‌های سازنده آن را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، میانگین رضایت جنسی برابر ۳۱/۳ است که از مقدار متوسط قابل اکتساب در مقیاس به‌کاربرده‌شده برای سنجش آن بیشتر است. به عبارت دیگر، مقدار این متغیر در نمونه مورد بررسی بیش از مقدار متوسط است. برای متغیر نگرش جنسیتی، همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، دامنه تغییرات برای سنجش این متغیر بین ۶ تا ۳۰ و میانگین محاسبه‌شده برای آن ۱۸/۷ است که از مقدار متوسط ممکن برای این متغیر بیشتر است.

جدول ۴: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر رضایت جنسی و ابعاد آن و متغیر نگرش جنسیتی

متغیر	تعداد	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
رضایت جنسی	۳۶۱	۳۱/۳	۱۵	۵۹	۰/۳۶	۴۸	۰/۴۵	۰/۶۳
خشنودی جنسی	۳۶۲	۱۶/۳	۷	۲۴	۰/۰۸	۲/۶۹	۵/۹۹	۷۶/۱۶
تبادل کلامی	۳۶۲	۲/۹	۱	۵	۰/۰۴	۰/۸۶	۰/۱۱	۰/۱۲
آگاهی جنسی	۳۶۲	۳/۵	۱	۵	۰/۰۴	۰/۷۴	-۰/۱۵	-۰/۱۰

ادامه جدول ۴

۳/۰۷	۰/۴۸	۱/۲۱	۰/۰۵	۱۰	۱	۳/۱	۳۶۱	نگرانی جنسی
۴/۰۸	۰/۵۷	۰/۷۸	۰/۰۴	۸/۷۵	۱	۳/۳	۳۶۲	ارتباط جنسی
-۰/۶۹	۰/۰۶	۳۴/۴۳	۰/۳	۳۰	۶	۱۸/۷	۳۶۰	نگرش جنسیتی

نتایج جدول شماره ۵ آماره‌های مربوط به متغیر فروپاشی و ابعاد سازنده آن را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، میانگین فروپاشی خانواده برابر ۳۱/۳ است که از مقدار متوسط قابل اکتساب در مقیاس به‌کاربرده شده برای سنجش آن کمتر است.

جدول ۵: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر گسست خانواده

متغیر	تعداد	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
فروپاشی خانواده	۲۹۰	۷۹/۴	۴۴	۱۲۰	۰/۹۵	۲۶۶/۶۱	۰/۰۲	-۰/۹۹
اختلال در روابط زوجین	۳۵۹	۲/۸	۱/۷۴	۵/۹۵	۰/۰۳	۰/۳۷	۰/۵۵	۰/۹۸
اختلال در روابط با فرزندان	۲۹۲	۲/۶	۱/۲۲	۴/۴۴	۰/۰۴	۰/۴۹	۰/۱۵	-۰/۹۶

یافته‌های استنباطی

بررسی روابط دومتغیره

برای بررسی وجود رابطه بین متغیرهای مستقل رضایت جنسی و مؤلفه‌های سازنده آن با متغیر وابسته و نیز نگرش جنسیتی با متغیر وابسته فروپاشی خانواده از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد بین این متغیرها با گسست خانواده رابطه معنادار وجود دارد، به طوری که هرچقدر میزان رضایت جنسی زوجین در زندگی زناشویی بیشتر باشد، کمتر با گسست خانواده روبه‌رو می‌شوند، و هرچه نگرش جنسیتی در بین زوجین بیشتر باشد، امکان وقوع گسست در خانواده بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد در جامعه مورد بررسی با ویژگی‌های زمینه‌ای که در نتایج توصیفی شرح داده شد، نگرش جنسیتی مبتنی بر اینکه تفاوت‌های طبیعی بین زنان و مردان، مبنای نابرابری‌های جنسیتی در روابط بین زوجین قرار گیرد، می‌تواند در روابط اعضای خانواده اختلال ایجاد کند.

جدول ۶: نتایج آزمون هم‌بستگی متغیرهای مستقل با وابسته تحقیق

متغیر	متغیر مستقل		مؤلفه‌های سازنده رضایت جنسی			
	نگرش جنسیتی	رضایت جنسی	خشنودی جنسی	تبادل کلامی	آگاهی جنسی	نگرانی جنسی
فروپاشی خانواده	۰/۳۶۴	-۰/۶۱۸	-۰/۴۹۷	-۰/۱۹۷	-۰/۲۱۲	-۰/۵۷۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

به منظور بررسی تفاوت فروپاشی خانواده برحسب نوع شغل و تحصیلات پاسخ‌گویان و همسران آن‌ها از آزمون F استفاده شده است. همان گونه که نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، آزمون بررسی تفاوت میانگین‌ها برای نوع شغل افراد معنادار است. نتایج آزمون نشان می‌دهد فروپاشی خانواده برحسب تفاوت در نوع شغل افراد و همسرانشان با سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأیید می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون F متغیر شغل با متغیر فروپاشی خانواده

آنالیز واریانس یک طرفه						میانگین فروپاشی برحسب شغل همسر	میانگین فروپاشی برحسب شغل پاسخ‌گو	شغل
معناداری	کمیت F	درجه آزادی	درون‌گروهی	برون‌گروهی				
۰/۰۰۴	۳/۳۰	۲۸۸	۸۴۲/۶۹	۲۵۵/۱۰	پاسخ‌گو	۷۳/۱۲	۷۸/۲۲	شاغل بخش دولتی
						۷۱/۲۲	۶۹/۴۴	شاغل بخش خصوصی
						۸۳/۲۶	۷۹/۸۴	شغل آزاد
۰/۰۰۴	۳/۲۷	۲۸۹	۷۲۰۵۱/۸۶	۵۰۰۰/۱۳	همسر پاسخ‌گو	۸۰/۸۲	۷۵/۲۷	بازنشسته
						۷۹/۱۲	۸۲/۰۴	خانه‌دار
						۸۹/۲۲	۷۸/۲۳	دانشجو
						۹۱	۹۵/۵۰	بیکار

چنان‌که نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، تفاوت میانگین متأثر از گروه مشاغل آزاد با کارمندان بخش خصوصی و دولتی، و نیز شغل خانه‌داری با کارمندان دولتی است. می‌توان گفت احتمال فروپاشی خانواده در مشاغل آزاد نسبت به کارمندان بیشتر است. همچنین فروپاشی در بین خانواده‌هایی که فقط یکی از همسران در بخش دولتی شاغل است و دیگری خانه‌دار است، بیشتر رخ می‌دهد.

جدول ۸: نتایج آزمون تعقیبی شغل افراد

همسر پاسخ‌گو			پاسخ‌گو			شغل	
معناداری	انحراف معیار	اختلاف میانگین	معناداری	انحراف معیار	اختلاف میانگین		
۰/۰۰۵	۳/۵۷	۱۰/۱۴	۰/۶۹۸	۳/۸۹	۱/۵۱	بخش خصوصی*	شغل آزاد
۰/۰۰۰	۳/۳۲	۱۱/۶۳	۰/۰۰۴	۳/۵۳	۱۰/۴۰	بخش دولتی*	
۰/۶۱۹	۴/۸۸	۲/۴۳	۰/۲۰۶	۳/۵۳	۴/۴۷	بازنشسته	
۰/۰۵۸	۲/۱۷	۴/۱۴	۰/۳۳۱	۲/۲۶	-۲/۲۰	خانه‌دار	
۰/۵۱۷	۹/۳۵	-۶/۰۶	۰/۸۷۲	۹/۳۸	۱/۵۱	دانشجو	
۰/۴۹۸	۱۱/۳۹	-۷/۷۳	۰/۰۵۶	۸/۱۷	-۱۵/۶۵	بیکار	
۰/۰۸۸	۳/۵۰	۶	۰/۳۲۵	۳/۷۷	۳/۷۱	بخش خصوصی	خانه‌دار
۰/۰۱۷	۳/۲۵	۷/۷۹	۰/۰۰۰	۳/۳۹	۱۲/۶۰	بخش دولتی*	
۰/۰۵۸	۳/۱۷	-۴/۱۴	۰/۳۳۱	۳/۲۶	۲/۲۰	شغل آزاد	
۰/۷۲۴	۴/۸۳	-۱/۷۰	۰/۰۵۰	۳/۳۹	۶/۶۷	بازنشسته	
۰/۳۷۵	۹/۳۲	-۱۰/۲۰	۰/۶۹۱	۹/۳۳	۳/۷۱	دانشجو	
۰/۲۹۷	۱۱/۳۷	-۱۱/۸۵	۰/۰۹۹	۸/۱۱	-۱۳/۴۵	بیکار	

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود تفاوت میانگین‌ها در خصوص تحصیلات نیز با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، سطح تحصیلات افراد و همسرانشان بر فروپاشی خانواده تأثیر می‌گذارد.

جدول ۹: نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه متغیر تحصیلات با متغیر فروپاشی خانواده

آنالیز واریانس یک‌طرفه				میانگین تحصیلات همسر	میانگین تحصیلات پاسخ‌گو	تحصیلات
معداری	کمیت F	درجه آزادی	برون گروهی			
۰/۰۰۰	۶/۱۵	۲۸۹	۲۴۴/۷۸	۱۵۰/۷۳	پاسخ‌گو	فوق لیسانس و بالاتر
						لیسانس
						دبیرستان
۰/۰۰۰	۶/۲۱	۲۸۹	۶۹۴۴۹/۹۰	۷۶۰۲/۰۹	همسر پاسخ‌گو	راهنمایی
						ابتدایی
						بی‌سواد

نتایج آزمون تعقیبی در جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد، تفاوت سطح تحصیلات لیسانس و بالاتر با سطوح پایین‌تر تحصیلی برای افراد و همسرانشان معنادار است. همچنین سطح تحصیل دبیرستان با سطوح پایین‌تر از آن تفاوت معنادار نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: آزمون تعقیبی تحصیلات پاسخ‌گو و همسر

سطح معناداری		انحراف معیار		اختلاف میانگین		تحصیلات	
همسر پاسخ‌گو	پاسخ‌گو	همسر پاسخ‌گو	پاسخ‌گو	همسر پاسخ‌گو	پاسخ‌گو		
۰/۳۷۶	۰/۳۲۶	۴/۵۱	۴/۰۳	-۴/۰۱	-۳/۹۷	فوق لیسانس و بالاتر	لیسانس
۰/۰۱۳	۰/۰۴۰	۴/۲۹	۳/۷۹	-۱۰/۶۷	۷/۸۰		* دبیرستان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۴/۲۵	۳/۸۵	-۱۵/۱۲	-۱۵/۳۵		* راهنمایی
۰/۰۰۳	۰/۰۲۴	۴/۶۹	۴/۴۸	-۱۴/۲۵	-۱۰/۱۵		* دبستان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۵	۴/۸۸	-۱۸/۷۶	-۱۶/۹۵		* بی‌سواد
۰/۰۲۱	۰/۱۵۸	۲/۸۶	۲/۷۰	-۶/۶۷	۳/۲۸	لیسانس	* دبیرستان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲/۸۱	۲/۷۹	-۱۱/۱۲	-۱۱/۳۸		* راهنمایی
۰/۰۰۳	۰/۰۸۸	۳/۴۴	۳/۶۱	-۱۰/۲۵	-۶/۱۸		* دبستان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۳/۸۵	۴/۱۰	-۱۴/۷۶	-۱۲/۹۸		* بی‌سواد
۰/۰۶۹	۰/۰۰۲	۲/۴۳	۲/۴۲	-۴/۴۴	-۷/۵۴	دبیرستان	* راهنمایی
۰/۲۵۸	۰/۴۸۲	۳/۱۵	۳/۳۴	-۳/۵۷	-۲/۳۵		دبستان
۰/۰۲۵	۰/۰۱۹	۳/۵۹	۳/۸۶	-۸/۰۸	-۹/۱۴		* بی‌سواد

بررسی روابط چندمتغیره

برای بررسی هم‌زمان رابطه چند متغیر و همین‌طور پیش‌بینی تأثیر اندازه تغییر متغیر وابسته به ازای تغییر متغیرهای مستقل، آزمون رگرسیون انجام می‌شود. در پژوهش حاضر، از تحلیل رگرسیونی چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. در این تحلیل، متغیرهای نگرش جنسی، رضایت جنسی، شغل و تحصیلات به عنوان متغیر پیش‌بین، و فروپاشی خانواده به عنوان متغیر ملاک مد نظر است. جدول شماره ۱۱ نتایج کلی آزمون رگرسیون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. ضریب استاندارد (Beta) برای مقایسه سهم تأثیر هریک از متغیرها در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد وقتی واریانس‌های تبیین‌شده دیگر در مدل

کنترل شوند، رضایت جنسی و نگرش جنسیتی دومتغیری هستند که به دلیل تأثیرگذاری بر متغیر وابسته وارد مدل شده‌اند. باتوجه به نتایج جدول، رضایت جنسی با ضریب رگرسیونی معادل ۰/۵۶۲ و نگرش جنسیتی با ضریب رگرسیونی ۰/۲۷۴ متغیر فروپاشی خانواده را تبیین می‌کند. نتایج برای متغیرهای شغل و تحصیلات پاسخ‌گویان معنادار نیست و از مدل رگرسیونی خارج می‌شوند. دو متغیر باقی‌مانده در معادله رگرسیون در مجموع توانستند حدود ۷۹ درصد از واریانس متغیر فروپاشی خانواده را تبیین کنند.

جدول ۱۱: آماره‌های تحلیل رگرسیون فروپاشی خانواده

ضریب هم‌بستگی چندگانه	ضریب تعیین R	ضریب تعیین تعدیل‌شده	اشتباه معیار	دوربین واتسون
۱/۲۶۵	۰/۷۸	۰/۷۹۴	۲۵/۳۰۰	۱/۶۵۸

جدول ۱۲: تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره

آنالیز واریانس					
منعاری	کمیت F	میانگین نمرات	درجه آزادی	مجموع نمرات	
۰/۰۰۰	۱۰۰/۸۳	۱۵۷۸۱/۶۰	۲	۳۱۵۶۳/۲۳	اثر رگرسیونی
		۱۵۶/۵۰	۲۸۵	۴۴۶۰۳/۶۷	باقی‌مانده
			۲۸۷	۷۶۱۶۶/۸۷	کل
ضرایب					
منعاری	t	ضریب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۳۴/۸۲		۳/۸۰	۱۳۲/۵۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۱۱/۶۹	/۵۶۲	۰/۱۲	-۱/۴۲	رضایت جنسی
۰/۰۰۰	۵/۸۹	/۲۷۵	۰/۴۴	۲/۶۰	خشنودی جنسی
۰/۰۰۰	-۳/۴۰	۰/۱۹۷	۱/۰۵	-۳/۶۰	تبادل کلامی
۰/۰۰۰	-۲/۶۰	/۱۱۲	۰/۸۷	-۲/۳۸	آگاهی جنسی
۰/۰۰۰	-۵۰/۳۴	۰/۳۰۵	۰/۹۱	-۴/۸۷	نگرانی جنسی
۰/۰۰۰	-۴/۴۷	۰/۲۵۶	۱/۰۶	-۴/۷۵	تفاهم جنسی
۰/۰۰۰	-۳/۷۳	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۵۱	نگرش جنسیتی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه رضایت جنسی و فروپاشی خانواده انجام شده است. جامعه آماری شامل افراد متأهل شهر تبریز است. نتایج تأییدکننده رابطه بین رضایت جنسی و ابعاد آن با فروپاشی خانواده هستند. همچنین رگرسیون چندمتغیره ابعاد مختلف رضایت جنسی با فروپاشی خانواده نشان می‌دهد: پنج بعد رضایت جنسی یعنی خشنودی جنسی، تبادل کلامی، آگاهی جنسی، نگرانی جنسی و تفاهم جنسی بر

تغییرات متغیر وابسته تأثیر دارند. بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، این رابطه نسبتاً قوی و معکوس است؛ بنابراین هرچه میزان رضایت جنسی بیشتر باشد، احتمال گسست خانواده متشکل از زوجین کاهش می‌یابد.

نظریه‌های موجود و یافته‌های پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی در این زمینه نیز نقش مهم رضایت جنسی زوجین در زندگی را بیان کرده‌اند؛ هرچند به طور اخص به بررسی تأثیر آن بر میزان تعارض‌های زوجین پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش با نظریه نیکولز و مک‌لارن درباره تأثیر برقراری رابطه جنسی ارضاکنده بر رضایت زناشویی که در پژوهش مرتضوی و بخشایش به آن اشاره شده است پشتیبانی می‌شود (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸). همچنین نتایج با یافته‌های گانت (۲۰۰۶) در این خصوص که رضایت از روابط زناشویی از انفعالات منفی زوجین می‌کاهد و به عبارتی تنش بین زوجین و احتمال فروپاشی را کمتر می‌کند، همسو است (گانت، ۲۰۰۶). نتایج آزمون فرضیه دیگر تحقیق نشان می‌دهد یک رابطه مستقیم بین نگرش جنسیتی با گسست خانواده وجود دارد. به این معنا که در جامعه مورد بررسی، تفاوت قائل شدن بین زنان و مردان، در ایفای نقش و برقراری روابط که می‌توان از آن به عنوان نگاه سنتی به تفکیک نقش و نابرابری جنسیتی یاد کرد، به اختلال در روابط اعضای خانواده منجر می‌شود. این نتیجه با یافته‌های میرزایی جاهد در باب دلزدگی زناشویی همسو است (میرزایی جاهد و صابری، ۱۳۹۸). همچنین نتیجه حاصل با نظریه‌های نگرش جنسیتی، به ویژه نظریه اسکانزونی که نابرابری را وضعیتی می‌داند که مرد در چارچوب خانه و خانواده تصمیم‌گیرنده نهایی بوده و زن در تسخیر و قلمرو سیطره مرد است و به عنوان جنس دوم ارزش پیدا می‌کند، پشتیبانی می‌شود (وایت و کلاین، ۲۰۰۲). در اینجا استدلال می‌شود که اگر چنین فرض شود که عملکرد بهتر و کارایی بیشتر خانواده زمانی تحقق پیدا می‌کند که زنان نقش‌های عاطفی و مردان نقش‌های ابزاری را بر عهده داشته باشند، چنین نگاهی اختلال در روابط خانواده را بیشتر می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده هم‌راستا با تحقیقات هویت و همکاران (۲۰۰۵) و میرزایی جاهد و صابری است که در تحقیق خود به این مسئله اشاره داشتند که نگرش جنسی و کالایی نگاه کردن به زن از عوامل گسست خانواده است. خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه، نیازمند راهبردهایی برای حفظ ثبات و استحکام آن است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای پیوند زناشویی، تأمین نیاز جنسی زوجین از طریق قانونی و مشروع است. در زندگی زناشویی، کیفیت زندگی خوب و روابط لذت‌بخش جنسی یکی از عوامل خوشبختی به شمار می‌رود؛ زیرا رضایت‌بخش نبودن آن، سبب ایجاد محرومیت، ناکامی و ناامنی در همسران می‌شود. بخش عمده‌ای از تعارض‌ها و کشمکش‌های زوجین ناشی از نداشتن رضایت جنسی آن‌هاست که اکثر زوجین از آن غافل‌اند. وجود کلیشه‌های سنتی در این زمینه بر نارضایتی از رابطه بی‌اثر نیست، نظیر این تفکر که تمکین جنسی فقط مخصوص زن است. این نتیجه نیز با نظریه اسکانزونی (وایت و کلاین، ۲۰۰۲) و یافته‌های پژوهش موحد و عزیزی (۱۳۹۰) پشتیبانی می‌شود.

نتایج آزمون متغیرهای زمینه‌ای، نوع شغل و سطح تحصیلات افراد و همسرانشان بر گسست خانواده نشان می‌دهد در افراد دارای مشاغل واجد منزلت اجتماعی مناسب، گسست خانواده کمتر رخ می‌دهد. در تحقیق ابراهیمی و محمدلو (۱۴۰۰)، نیز یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار در فروپاشی خانواده نوع شغل افراد است. نتایج مربوط به تأثیر تحصیلات نیز حاکی از آن است که در زوجین با تحصیلات بیشتر، خطر فروپاشی خانواده کمتر است. این نتیجه با نظر همیلتون و استوارت نیز پشتیبانی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۱). به نظر

می‌رسد تحصیلات از چند وجه مهم باشد؛ یکی آنکه تحصیلات به آگاهی بیشتر افراد و توانمندی بیشتر در رویارویی با مشکلات مختلف در زندگی منجر می‌شود، دیگر آنکه فرصت تحصیل امکان تعامل‌های اجتماعی گسترده‌تر، و لاجرم آشنایی با افکار، عقاید و شیوه‌های مختلف ادراک مسائل را فراهم می‌کند. از سوی دیگر تحصیلات بالاتر، مشاغل دارای منزلت اجتماعی بهتر و اغلب وضعیت اقتصادی مناسب‌تری ایجاد می‌کند. همه این عوامل می‌توانند به‌تنهایی یا توأم با هم، در تعامل‌های زوجین با یکدیگر و با سایر اعضا خانواده تأثیر بگذارند. اگرچه در این خصوص می‌توان بحث مفصل آغاز کرد، اما با توجه به فرصت محدود و نظر به ادبیات مورد استناد مقاله حاضر، به بیان این کل مختصر اکتفا شده است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر به منظور پیشگیری از گسست و فروپاشی خانواده ارائه می‌شود:

باتوجه به وجود رابطه معکوس بین متغیر رضایت جنسی و فروپاشی خانواده به نظر می‌رسد ارائه آموزش‌هایی در این زمینه برای زوجین در شرف ازدواج لازم است. به این ترتیب و نظر به رابطه نگرش جنسی و فروپاشی خانواده، فرهنگ‌سازی برای آموزش توسط متخصصان جامعه‌شناس و روان‌شناسان اجتماعی از دوران مدرسه می‌تواند به تغییر نگرش سنتی در این زمینه کمک کند؛ زیرا اگرچه جنس به صورت طبیعی و ژنتیکی تعیین می‌شود، ولی نگرش‌ها و رفتارهای افراد بر اساس ساختار اجتماعی، باورها و ارزش‌های فرهنگی شکل می‌گیرد و هنجارهای هر جامعه‌اند که جنسیت فرد را تعیین می‌کنند. نقش‌های جنسیتی، رفتارها و نگرش‌هایی که فرد بر اساس زن بودن یا مرد بودن از خود نشان می‌دهد، تحت تأثیر فرهنگ و ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شود و افراد یاد می‌گیرند خود را با آن سازگار سازند. کودکان صفات شخصیتی، نگرش‌ها، ترجیح‌ها و رفتارهایی متناسب با جنسیت خود را یاد می‌گیرند و راه رفتن، حرف زدن، خوردن، فعالیت، حتی فکر کردن و احساسات آن‌ها تحت تأثیر این یادگیری قرار می‌گیرد.

مضمون کلی نظریه‌های مورد استناد پژوهش نیز بر این نکته تأکید دارند که پذیرش نقش‌های جنسیتی باعث می‌شود: تعارض‌های زوجین چشمگیرتر شود و این کلیشه‌سازی با تفکیک حوزه‌های مردانه و زنانه در خانواده سبب می‌شود تعادل، تفاهم و تعامل در روابط زوجین، به‌راحتی جای خود را با تعارض عوض کند. از این رو آموزش‌های مناسب از دوران کودکی برای تعدیل و تغییر نگرش‌ها در این زمینه می‌تواند کارساز باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲؛ هام و گمبل، ۱۳۸۲؛ شریعتی مزینانی و مدرس صادقی، ۱۳۹۰؛ ریتزر، ۱۳۹۳).

ایجاد و گسترش مراکز مشاوره در زمینه مسائل زناشویی و اشاعه فرهنگ مراجعه به مشاور نیز می‌تواند به حل تعارض‌های زوجین کمک کند. بسیاری از تعارض‌ها و نارضایتی‌ها ناشی از کشمکش‌های مربوط به تصمیم‌گیری برای برقراری رابطه از سوی زوجین است. اگر اتخاذ تصمیم متعادل شود، در کاهش تعارض مؤثر خواهد بود. ارتباط برابر، تصمیم‌گیری درباره رابطه و وظایف مشترک زوجین تعادل بیشتری در خانواده برقرار می‌سازد (مکلارن، ۱۹۹۵؛ نیکولز و مک‌لارن، ۲۰۰۵؛ برادشاو، ۱۳۷۲؛ موحد و عزیز، ۱۳۹۰) و مراکز مشاوره با آموزش‌های مناسب می‌توانند به این امر کمک شایانی کنند.

به نظر می‌رسد در کشور ما، که آموزش‌های رسمی در این باره وجود ندارد و منابع کسب اطلاع غیررسمی اغلب غیرعلمی به موضوع می‌پردازند، لازم است برای بهبود روابط جنسی زوجین، مراکز مشاوره که بر

مشکلات جنسی و مبتنی بر آموزش روان‌شناسان، روان‌پزشکان و متخصصان خانواده متمرکزند، ایجاد و حمایت شوند. این مراکز می‌توانند مراجع و منابع مناسب برای ارتقای سلامت جنسی همسران، رابطه بین زوجین و در نتیجه سلامت خانواده و پیشگیری از اختلال در روابط زوجین فراهم کنند. پرداختن به این موضوع در مشاوره‌های قبل از ازدواج و همچنین توجه به اصلاح نگرش‌های جنسیتی در زنان و مردان، برای سازگاری بیشتر در روابط زناشویی نیز از خدماتی است که می‌تواند در مراکز مشاوره ارائه شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Family breakdown
2. Mosavy Azar
3. Dehdar
4. Gatman
5. Ramezani Far
6. Masoudi Asl
7. Berent
8. Stuart
9. Hamiltion
10. Sarukhani
11. Ghadiri
12. Mirzaei Jahid
13. Jahani Daulatabad
14. Hosseinzadeh
15. Azadarmaky
16. Maclaren
17. Movahed& Azizi
18. Bradshow
19. sexual satisfaction
20. Nichols
21. Bakshaish & Mortazavi
22. Goethe
23. Balali
24. Riesman
25. Ritzer
26. Shariati Mazinani
27. Mustaine
28. Goldenberg
29. Gender role
30. Kate Milltt
31. Ham & Gamble
32. Butler
33. Scanzoni
34. White and Klein
35. Fakuri Ashkiki
36. Ebrahimi& Mohammadlou
37. Mirzaei Jahid and Sabri
38. Balagiri and Hosseini
39. Ramadani Far, Chaldee and old
40. Gantt
41. Hovit, Bakester & Western
42. Barat
43. Kelik& Pearson
44. Larson

منابع

- آزادارمکی، ت. (۱۳۹۳). *خانواده ایرانی*، تهران: نشر علم.
- ابراهیمی، ل. و محمدلو، م. (۱۴۰۰). مرور نظام‌مند عوامل زمینه‌ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران (۱۳۹۸-۱۳۸۸)، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*، ۱۲(۴۶)، ۲۹-۱۶.
- بخشایش، ع. و مرتضوی، م. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۱۲)، ۸۳-۷۵.
- بالاگیری، م. و سادات حسینی، س. (۱۳۹۸). ارائه الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه، *مجله پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴(۳۶)، ۵۳-۲۹.

- بلائی، ا.، اختیاری سفر، ز.، محمدی، ا. و محقق، ح. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر تضاد نقش‌های زنان و رابطه با تعارضات خانوادگی در شهر همدان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۴)، ۱۱۸-۱۲۳.
- باستانی، س.؛ گلزاری، م. و روشنی، ش. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۳۱(۳)، ۲۵۹-۲۴۳.
- برادشاو، ج. (۱۳۷۲). *خانواده؛ روش انقلابی برای خودشناسی*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: انتشارات البرز.
- جهانی دولت‌آباد، س. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی علل و زمینه‌های بروز تعارضات زناشویی در شهر تهران، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۲۵(۲)، ۲۴۱-۲۳۲.
- حسین‌زاده، ا. (۱۳۹۸). *بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر رضایت جنسی (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تبریز)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- درگاه ملی آمار، <https://www.amar.org.ir>
- ریتزر، ج. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- رمضانی‌فر، ح.، کلدی، ع. و قدیمی، ب. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن، *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹(۲)، ۱۹۰-۱۶۷.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: اطلاعات.
- شریعتی مزینانی، س. و مدرس صادقی، م. (۱۳۹۰). بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران (با تأکید بر نگاه جنسیتی به زن)، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۳(۲)، ۵۴-۳۵.
- غدیری، م. و فروتن، س. ک. (۱۳۸۷). اختلاف جنسی، عامل پنهان طلاق: ضرورت حضور پزشک آموزش‌دیده در ترکیب کارشناسان مراکز مشاوره خانواده، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۶)، ۱۹-۴.
- فکوری اشکیکی، م.، جان‌بزرگی، م. و خرمیان، ف. (۱۴۰۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای «هماهنگی نگرش‌ها»، «آشنایی با نگرش‌های همسر» و «هماهنگی ارزش‌های زوجین»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۹(۱)، ۴۴-۲۹.
- گلدنبرگ، ا. و گلدنبرگ، ه. (۱۳۸۲). *خانواده‌درمانی*، ترجمه حسین شاهی برواتی، حمیدرضا نقشبندی، سیامک ارجمند، تهران: روان.
- مساواتی‌آذر، م. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تبریز: نوبل.
- مسعودی اصل، ش. و راد، ف. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۸(۳۱)، ۶۱-۴۸.
- ملفت، ح. و احمدی، ح. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق (مطالعه موردی شهرستان داراب)، *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۳(۵)، ۱۶۵-۱۵۵.
- موحد، م. و عزیزی، ط. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایتمندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران، *زن در توسعه و سیاست*، ۲۰(۲)، ۱۸۱-۱۸۰.
- میرزایی جاهد، ع. و صابری، ه. (۱۳۹۸). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان بر مبنای نگرش جنسی آن‌ها و گرایش همسرانشان به شخصیت تاریک، *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۳)، ۳۸۹-۳۷۱.
- نوری، ف. (۱۴۰۰). بررسی آسیب‌شناختی نگاه جنسیتی به جایگاه زنان در جامعه ایران، اولین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1284178>
- هام، م. و گمبل، س. (۱۳۸۲). *فرهنگ و نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی، نوشین احمدی خراسانی، تهران: توسعه.

- Azad Aramaki, T. (2013). [*Iranian Family*], Tehran, Elm [in Persian].
- Bilali, I, Ekhtiari Sefar, Z., Mohammadi, A. & Hoghaghgi, H. (2013). Medical factors on the conflict between women's roles and the relationship with family conflicts in Hamedan city. *Applied Sociology*, 20(4), 118 [in Persian].
- Bakshaish, A. & Mortazavi, M. (2008). The relationship between sexual satisfaction, general health, and marital satisfaction in couples. *Applied Psychology Quarterly*, 3, 4(12), 75.
- Balagiri, M. & Wasadat Hosseini, S. (2018). Presenting patterns predicting emotional divorce in Kermanshah couples]. *Journal of New Researches in Behavioral Sciences*, 4(36), 29-53. [in Persian].
- Bradshaw, J. (1993). *The family of a revolutionary method for self-knowledge* (M. Garache Daghi. Trans.). Tehran: Alborz [in Persian].
- Bastani, S., Golzari, M. & Roshni, S. (2009). Emotional divorce: causes and mediating conditions. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(3), 243. [in Persian].
- Cleek, M. & Pearson, A. (1985). [Perceived Causes of Divorce: An Analysis of Interrelationships. *Journal of marriage and the family*. (47)1.
- Dehdar, Ahsan. (2021). *General family (divorce)*, [in Persian]. Retrieved from <https://dadsoo.comfoahda>[in Persian].
- Ebrahimi, L, & Mohammadlou, M. (2022). [A systematic review of the factors behind consensual divorce of couples in the last decade in Iran (2009-2019)]. *Scientific Research Quarterly of Women and Society*, 12(46), 16-29 [in Persian].
- Fekori Ashkiki, M., Jan Gergi, M. & Khormian, F. (1402). Marital satisfaction prediction for "congruence of attitudes", "familiarity with spouse's attitudes" and "congruence of couple's values". *Journal of Family Studies*, 19(1), 29-44[in Persian].
- Gaunt, R. (2006). [Couple similarity and marital satisfaction Are similar spouses-happier. *Journal of Personality*, 74, 1402-1420.
- Ghadiri, M. & Fortun, S. (2008). [Sexual difference, the hidden factor of divorce: the necessity of the presence of a trained doctor in the composition of family counseling center experts]. *Journal of family research*, period 4(16), 4 [in Persian].
- Goldenberg, I. and Goldenberg, H. (2003). *Family therapy*, (H. R. Hossein Shahi Barvati, S. Naqshbandi, E. Arjmand, Trans.), Tehran: Rovani [in Persian].
- Ham, M. and Gamble, S. (2003). *Feminist Culture and Theories* (F. Mohajer; F. Qaradaghi, N. Ahmadi Khorasani, Trans.), Tehran: Tose [in Persian].
- Hosseinzadeh, E. (2018). *Examining the Economic Factors Affecting Sexual Satisfaction (case study: Married Women of Tabriz City)*, Master's Thesis, Tabriz University.
- Jahani Daulatabad, E. (2015). [Sociological Study of the Causes and Contexts of Marital Conflicts in the City of Tehran], *Iranian Social Issues Survey*, Volume, 5(2), 232 [in Persian].
- Masoudi Asl, Sh. & Rad, F. (2015). [Investigating Social Factors Related to Marital Discord in Tabriz City], *Sociological Studies*, 8(31), 48 [in Persian].
- Mosavaty Azar, M. (1994). [Sociology of Deviations], Tabriz: Nobel [in Persian].
- Movahed, M. & Azizi, T. (2011). [Studying the Relationship Between Women's Sexual Satisfaction and Conflicts Between Spouses]. *Women in Development and Politics*, 9(2), 206-181 [in Persian].

- Moltaft, H. & Ahmadi, H. (2017). Examining the Factors Affecting the Tendency of Couples to Divorce (A Case Study of Darab City), *Demographic Association of Iran*, 3(5), 155-165 [in Persian].
- Nouri, F. (2021). [Pathological Examination of the Gender Perspective on the Position of Women in Iranian Society], *The First International Conference on Knowledge and Technology of Law and Human Sciences of Iran*, Tehran, <https://civilica.com/doc/1284178>.
- Ramezani Far, H. Kaldi, A. & Gadimy, B. (2021). Analysis of Factors Affecting Emotional Divorce in Married Women of Tankabon City, *Women in Development and Politics*, period 19(2), 167-190 [in Persian].
- Ritzer, G. (2013). *Theory of Sociology*, (H, Naibi, Trans) Tehran: Ney Publication. [in Persian].
- Sarukhani, Bagher (2002). *Sociology of Family*. Tehran: Etelaat Publication [in Persian].
- Shariati Mezinani, S. & Madres Sadeghi, M. (2013). Representation of Women in the Works of Contemporary Iranian Women Painters (with emphasis on the gender view of women, *Sociology of Arts and Literature*, 3(2), 54-35 [in Persian]
- White, J., & Klein, David, M. (2002). *Family Theories*, 2nd edition. Thousand Oaks, California: Sage Publications.